

تو به حال من مسکین به جفا می نگری

مهدی یار زمزم

نگارنده که قد نمی دهد اما از قدیمی ترها شنیده است سوراخ جیب دانشکده یا به قولی دانشگاه و مملکت این قدرها گشاد نبود و هر از گاهی سهمی به انجمن ها اختصاص می دادند. همین پارسال، صدای دنگ دنگ کفگیر و آه و ناله ی مسئولین همه جا را برداشته بود که ولوله ای در هیئت تحریریه ی نشریه ها به پا شد. حرف از صد تومان بن مادام العمر (یعنی همین یک بار می دادند و تمام) بود برای هر نشریه. آن قدر توجهی نکرده بودند که همین چندرغاز هم جای شکر داشت و باید به خاطرش شادی می کردیم. البته لازم به ذکر است که این لطف ناقابل از جانب دانشکده نبود. خدا پدر باشگاه دانشجویان را بیامرزد، هیچ محتاجی را جواب نمی کند و با چند تا برگه و فاکتور می شود از کف دست به قول خود بی مویس چند تاری کند. گاهی انجمن های علمی برای حل معضل مالی متوسل به مراکزی در بیرون دانشکده می شوند تا شاید

بتوانند بعد از دوندگی های بسیار بودجه ای برای هزینه های خود فراهم کنند. این تازه بخشی از مصیبت است چون اگر چیزی عاید شود طبق قانون به حساب دانشکده واریز می شود و بعد از آن دانشکده فوراً می گوید: «شما به اعتبار ما این پول را گرفته اید پس علی الحساب ۲۰ درصدش را برمی داریم، ۸۰ درصد مابقی را هم اگر بچه های خوبی بودید و فاکتور برنامه هایتان را آوردید و صبر ایوب پیشه نمودید انشاءالله بعد از کلی وقت یا اصلاً هر وقت دلمان خواست بهتان می دهیم.» دقیقاً در همان موقع از سویدای وجود معنای ضرب المثل «روزی افتاده دست قوزی» را خواهید فهمید. در نهایت این شما هستید که می مانید با وعده ی برگزاری برنامه و جیب خالی و خستگی حاصل از دوندگی. این جاست که خطاب به مسئولان دانشکده در حالی که از حسابداری دور می شوید، مصرع «تو به حال من مسکین به جفا می نگری» سعدی را باید زیر لب زمزمه کنید.

مسائل پیش پا افتاده شویم، اصلاً تحرک بیشتر دانشجوی موهبتی است از سوی مسئولین دانشکده برای مدح و توجه بیشتر به معشوق!

- ۱- مناظره و نقد علمی
- ۲- هم اندیشی و نشست های تخصصی
- ۳- مطالعات و پژوهش های علمی
- ۴- نشر و ترویج یافته های علمی
- ۵- فعالیت های کمک آموزشی

اگر آیین نامه ی انجمن های علمی را قرائت بفرمایید در ماده ی ۳ به موارد بالا برمی خورید با این عنوان: فعالیت های فرهنگی انجمن های علمی. برای اجرای این موارد و سایر طرح ها اضافه بر ایده پردازی، پیگیری، محتوای علمی، مفید بودن، مهمان مناسب و ... به موردی به نام بودجه نیاز است. در نظر بگیرید برای نشر و ترویج یافته ی علمی چه می شود کرد؟ کم خرج ترین و احت ترین کار شاید چاپ نشریه است که آن هم تا وقتی پول نباشد، شدنی نیست. عمر

خبر اول: وبلاگ شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

www.senfi-ej-ut.blogspot.com

در این وبلاگ پیگیر گزارش ها، برنامه ها و پیگیری های صنفی، فرهنگی و... شورای صنفی از اردیبهشت ماه ۹۴ باشید. همچنین می توانید قسمت هایی از نشریه شورای صنفی-نشریه ویرگول- را در این وبلاگ مطالعه نمایید.

و از پیگیری ها و برنامه های روز شورای صنفی آگاه شوید و دغدغه های فرهنگی، رفاهی و صنفی خود را با شورای صنفی در میان بگذارید. انتقادات و پیشنهادات خود را در رابطه با فعالیتهای شورای صنفی به مسئولان شورای صنفی منتقل نمایید.

خبر دوم: جلسات بوفه

این جلسات پیرامون مسائل دانشجویی، فرهنگی و صنفی جهت تغییر و اصلاح بسیاری از مسائل و رسیدن به خواسته های دانشجویی است. جلسه ای که به صورت خودجوش از طرف دانشجویان دانشکده تشکیل می شود و وابسته به تشکل دانشجویی خاصی نیست و صرفاً در آن دغدغه های افراد مطرح می شود و مشکلات دانشجویی پیگیری خواهد شد.

سال دوم / شماره دوم / مهر ۱۳۹۴
صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
مدیرمسئول: محمدمهدی داداشلی
سر دبیر: حانیه سادات میرمحمد
صفحه آرا: عاطفه داودی

گزارش پیگیری های شورای صنفی

در خصوص برگزاری جلسه امور مالی

مهسا عبدالملکی

این تشکل ها نیز پس از دریافت سوالات، در جلسه با هیئت رئیسه، آنها را مطرح کنند و در نهایت، نتیجه ی جلسه و پاسخ ها به دانشجویان منتقل شود تا در رابطه با مسائل مالی، شفاف سازی صورت گیرد و ابهامات رفع گردد. پس از مطرح شدن پیشنهاد برگزاری جلسه ی خصوصی از سوی هیئت رئیسه و در میان گذاشتن آن با دبیران انجمن های علمی، دبیران با برگزاری این جلسه به صورت خصوصی موافقت نکردند و خواهان برگزاری جلسه ای عمومی شدند و برگزاری جلسه ی مذکور را مفیدتر و نتیجه بخش تر از جلسه ی خصوصی دانستند. یکی از دلایلشان این بود که نزدیک به دو سال هیچ جلسه ای به صورت عمومی میان هیئت رئیسه و دانشجویان دانشکده صورت نگرفته است و این جلسه می تواند شکاف میان هیئت رئیسه و بدنه ی دانشجویی را کمتر کند، بسیاری از شک و شبهه ها را برطرف سازد و حوزه ی عمومی دانشکده را به سمت قوی تر شدن پیش برد. از دیگر فواید جلسه به صورت عمومی، می توان به بالا بردن میزان مشارکت و تعامل دانشجویان اشاره کرد که در این صورت تشکل ها هم از بدنه ی دانشجویی دور نمی شوند. بنابراین همانطور که رسالت شورای صنفی اقتضا می کند، با هم اندیشی و استفاده از عقل جمعی شما دانشجویان، بر آن شدیم تا خیر عمومی دانشکده را به مشورت بگذاریم و بنا بر آنچه ذکر شد، نظر شما دانشجویان را - که همه عضوی از خانواده ی علوم اجتماعی هستید- جویا شویم و با اشتیاق بسیار، از همه ی شما دانشجویان دغدغه مند درخواست داریم، شورای صنفی را که متعلق به همه دانشجویان است پشتیبانی نمایید و از طریق صندوقی که روی میز شورا قرار گرفته است، نظرات خود را در رابطه با عمومی یا خصوصی بودن جلسه بیان کنید و انتظارت خود از این جلسه را به ما انتقال دهید تا بتوانیم با استفاده از نظرات عموم شما و انتقال آن به هیئت رئیسه، شرایط برگزاری یک جلسه در یک شکل مناسب را به وجود آوریم.

در جستجوی معشوق گمشده

حانیه سادات میرمحمد

در آخرین جلسه ی نظریه ۱ دکتر اعتمادی فر، استاد داشتند از تاثیر عدم حضور معشوقه در کنار شعرای بادیه نشین، بر اشعار آن ها می گفتند. یعنی هرچه امکانات (حضور معشوقه) کم تر باشد فعالیت ها، سرودن شعر، با کیفیت تر و بهتر می شود و بعد گفتند که اگر ما (دانشجویان) همه ی امکاناتمان فراهم بود، هیچ فعالیت خاصی انجام نمی دادیم و تنها می آمدیم دانشگاه و بی هیچ حرکت و فعالیتی می رفتیم. با شنیدن این جملات، ناگهان نگاهم به مسئولین دانشکده به خصوص هیئت رئیسه و عدم توجه شان به درخواست دانشجویان تغییر کرد. تا پیش از آن بابت این بی توجهی ها دلخور بودم و دلیل عدم پاسخگویی ایشان را ضرورت پنهان نگه داشتن اطلاعاتی سری می دانستم؛ اما پس از شنیدن و فهمیدن اصل داستان! از وجود چنین مسئولین خیرخواهی که با عدم ارائه ی امکانات به دانشجویان موجب تکاپوی او می شوند خوشحال شدم! گفتم اصلاً باید بابت افزایش کدورت پاسخ های مسائل دانشجویان و به باد سپردن درخواست آن ها و متعاقباً افزایش سهولت ایجاد همبستگی دانشجویی، گروه گروه برویم دست بوس! اصلاً آیا اگر مسئولین همان اول درخواست برگزاری «جلسه ی عمومی امور مالی» را قبول می کردند، نشریه ها و متن هایی با موضوع «مسائل مالی دانشکده» به منصفه ظهور می رسیدند؟ اصلاً اگر چندمین درخواست شورای صنفی را پیرامون برگزاری همین جلسه، به دلیل «بی اهمیت» بودن آن باز پس نمی فرستادند، ما احساس سرخوردگی مزین به بدبینی را تجربه می کردیم؟ واقعا نه! پس بیایید از مسئولین سپاس گزار باشیم که نگذاشتند به موجوداتی منفعل تبدیل شویم و بیایید بابت عرضی صعودی بی توجهی به ما دانشجویان شاکر باشیم که می گذارند به جای پیگیری مسائل و دغدغه های اصلی و اساسی خود و توجه به رسالت دانشجویی، در گیر یکسری



زهره ورزگی

جناب آقای دکتر نورمحمدی
ریاست محترم دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
احتراماً به استحضار می رساند شورای صنفی و انجمن های علمی دانشجوئی دانشکده با به درخواست دانش جویی از طبقه های مختلف دانشجویان دانشکده در باب مسائل مالی و تخصصی بودجه به مسئولین مختلف دانشکده و امور دانشجویان درخواست یک جلسه عمومی با هیئت رئیسه در تالار شهید مطهری را خواستیم.
پیشاپیش از همکاری شما همیشه سپاسگزاریم.
روز شنبه ۱۳۹۴/۷/۲۶
روزنامه کیهان، گروه سید مهدی اعتمادی، معاونت فرهنگی دانشجوئی



مشکل از کجاست!؟

تفاوت دانشکده مدیریت و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در زمینه امور مالی

یادداشت
پرونده

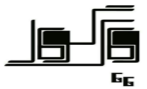
وقتی صحبت از امور مالی دانشکده می‌شود ذهن ما یک راست به سمت این که دانشکده چقدر بودجه دارد و این بودجه کجا خرج می‌شود می‌رود و به مسائل اصلی و مهم در این زمینه کمتر توجه می‌شود. در حالی که می‌توان از جنبه‌ای دیگر هم به این موضوع مهم نگاه کرد و چگونگی اشتغال‌زایی و به تبع آن درآمدزایی دانشکده و افراد فعال در آن اعم از استاد و دانشجو و کارمند را مورد بررسی قرار داد و نشان داد چگونه می‌توان از طریق دانشکده علوم اجتماعی به تأمین مالی بیشتر دانشکده و سایر عوامل آن پرداخت و دانشکده را در سطوح مختلف سرمایه‌انسانی، اجتماعی و اقتصادی توسعه داد. برای نشان دادن این مهم سعی می‌کنم با بهره‌گیری از تجربه دیگر دانشکده‌های دانشگاه تهران و از مسیر یک مقایسه این موضوع را بررسی کنم.

این که نظام حکمرانی حاکم بر کشور، علوم اجتماعی را نمی‌پسندد و قصد دارد آن را به هر نحوی طرد کند! که اگر این باشد بهتر است دیگر نه تنها به پیگیری این مسئله نپردازیم، بلکه به طور کلی تمام مشکلات علوم اجتماعی را به گردن همین سلسله مراتب قدرت حاکمه بیندازیم و خیال خودمان و دیگران را راحت کنیم. اما جدا از این پاسخ که می‌توان گفت حداقل در باب امکانات رفاهی و مسائل مالی دانشکده تا حدودی شبیه به توهم توطئه است.

می‌توان پاسخ دیگری هم به این سوال داد و آن هم این که مسئولان دانشکده یک مدیریت مکانیزمی به وجود آورده‌اند که نه تنها باعث اشتغال دانشجویان این دانشکده در سطح تحصیلات تکمیلی می‌شود و آن‌ها را وارد بازار کار می‌کند، بلکه بودجه بسیار خوبی را به جهت آبادانی و توسعه دانشکده مدیریت به وجود می‌آورد. این مکانیزم هم چیز خیلی پیچیده‌ای نیست و کاملاً قابل دسترسی است. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران با این که هم‌چون دانشکده علوم اجتماعی اساتیدی در سطوح کلان مدیریتی و اجرایی کشور هم‌چون وزیر و معاون و مشاور و رئیس و دیگر مقامات عالی‌رتبه کشوری ندارد اما از توانایی بالقوه خود به بهترین نحو استفاده می‌کند که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.

در دانشکده مدیریت محلی وجود دارد به اسم «مرکز پژوهش‌های کاربردی مدیریت» که در این مرکز اساتید و دانشجویان با توجه به امکانات دانشگاه تهران و با استفاده موثر از توانمندی‌ها و قابلیت‌های علمی، پژوهشی، تحقیقاتی و آموزشی دانشکده مدیریت در جهت تقویت بنیه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور سعی در توسعه

دامنه پژوهش‌های کاربردی مدیریت به تمام حوزه‌های کاری خود از جمله وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و موسسات دولتی و غیر دولتی دارند که در این فرایند نه تنها بودجه کلانی به دست می‌آورند، بلکه باعث رشد و ارتقای کمی و کیفی رشته مدیریت می‌شوند و زمینه‌های مناسبی را برای تحقیقات دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری بوجود می‌آورند که خود باعث جلوگیری از هرز رفتن استعدادهای دانشجویان این دانشکده می‌شود و اکثر آن‌ها را در حین تحصیل از این طریق با بازار کار آشنا می‌کنند و جلوی بیکاری حداقل دانشجویان توانمند خود را می‌گیرند. بنابراین لازم است تا درباره ماهیت این مرکز پژوهشی که در دانشکده مدیریت قرار دارد بیشتر اندیشید و از خود پرسید آیا وزارتخانه‌ها و نهادها و سازمان‌های موجود در جامعه نیاز به طرح‌های تحقیقی و پژوهشی در زمینه علوم اجتماعی ندارند؟ و به واقع در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران که بی‌شک جمعی از سرآمدان علوم اجتماعی کشور را دور خود جمع کرده است در کنار آموزش و علم‌آموزی، پتانسیل و توانایی انجام این پروژه‌ها به جهت رشد و ارتقای صحیح کشور دیده نمی‌شود؟ مطمئناً کشور و سازمان‌های کلان و خرد آن نیاز به انجام پژوهش‌ها و مشاوره‌هایی در حوزه علوم اجتماعی دارند و این دست کارها صورت می‌گیرد. اما این که چه کسی و کسانی و چه نهاد و سازمان‌هایی این فعالیت‌ها را به جای دانشجویان علوم اجتماعی انجام می‌دهند را باید از بزرگ‌ترها و همان عالی‌مقامان پرسید! همچنین در این زمینه و در قیاس با مرکز پژوهشی دانشکده مدیریت یکی از سوالات مهمی که ما دانشجویان حداقل باید از خودمان بپرسیم این است که موسسه



مسعود سالاری

امروز سه شنبه بوفه نوشت است

گزارش جلسات هفتگی دانشجویان در بوفه:

امروز سه شنبه روزی از روزهای معمولی دانشکده‌ی علوم اجتماعی است. بحث در بوفه‌ی دانشکده داغ است. در جمع‌های کوچک دوستانه در مورد موضوعات مختلف گفت‌وگو‌هایی جریان گرفته‌است. ساعت حوالی یک بعد از ظهر، جمع‌های جدا افتاده به هم می‌پیوندند تا در مورد مشکلات دانشکده به گفت‌وگو بپردازند. همه سرشار از حرف‌های ناگفته‌اند؛ حرف‌هایی که مخاطبان‌شان بایستی برای شنیدن آنها در فضای عمومی حاضر می‌شدند.

اتفاقی نمی‌افتد؛ اتفاقی که انگار هراسی مانع به وقوع پیوستن آن است؛ هراس به هم پیوستن صداها و دشواری طفره‌رفتن از پاسخگویی در فضای عمومی! بهانه‌های تاریخ گذشته صورتی طنزآمیز به خود گرفته‌اند. نگرانی از توهین به بزرگان و بالانشینان وجود دارد. به راستی مقصر تندی و عصبانیت دانشجویان کیست؟ آیا در شرایطی که صدافتی در کار باشد و در جلسه‌های مداوم و عمومی به پرسش‌های دانشجویان پاسخی منطقی داده شود این حجم از عصبانیت ایجاد خواهد شد؟ عصبانیتی که اوج آن را پس از لغو جلسه‌ی نقد گروه‌های آموزشی در سال قبل شاهد بودیم. اگر اراده‌ای بر ایجاد شرایط گفت‌وگو، نقد جدی و پاسخ‌گویی وجود داشته باشد، جو در عین پویایی به سمت آرامش پیش خواهد رفت.

اکنون به مرور بخشی از صحبت‌های دانشجویان در گفت‌وگوی روز سه شنبه‌ی هفته‌ی گذشته در بوفه می‌پردازم: می‌توان گفت عمده‌ی صحبت دانشجویان، متمرکز بر مسائل مالی دانشکده و درخواست حضور مسئولان مربوط - به خصوص شخص ریاست دانشکده - در جلسه‌ای عمومی در جریان بود. همچنین انتقاد جدی بر نوع نگاه ریاست دانشکده به موجودی به نام «دانشجو» اگر در برنامه ریزی‌های ایشان وجود داشته باشد، از سوی دانشجویان بیان شد. این که

چرا صاحب خانه این جا بیگانه و نامحرم است.

ایشان در رفتار و تصمیمات خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی دانشجویان با وجود تمام تجهیزات مانیتورینگ دانشکده، باز هم در نقطه‌ای کور قرار دارند.

بسیار شنیده‌ایم که دکتر جلسه دارند و دانشکده نیستند. دکتر کجاست؟ آیا مسئولیتی مهم‌تر از پرداختن به مسائل دانشکده و دغدغه‌های دانشجویان برای ایشان وجود دارد؟! ایشان وجود دارند!

پیشنهاد تشکیل کمیسیون تحقیق و نظارت - تحت نظر شورای صنفی - دیگر پیشنهاد مطرح شده در گفت‌وگو بود؛ کمیسیونی که با توجه به آیین نامه‌ی شورای صنفی، با انتخابات داخلی میان دانشجویان تشکیل شود تا به صورت تخصصی در جریان تصمیمات کلان مالی دانشکده قرار بگیرد و شرایط مشارکت دانشجویان علوم اجتماعی - که روزی شاید در برنامه ریزی‌های کلان مشارکت داشته باشند - از دانشکده‌ی خودشان آغاز شود؛ کمیسیونی که قادر به تحقیق در زمینه‌های مبهم و ممنوعه‌ی امروز باشد؛ کمیسیونی که در هنگام خاموشی چراغ‌ها و صداها فانوس به دست بگیرد و صدای دانشجویان باشد.

موضوع دیگر حضور تعدادی از دانشجویان پردیس البرز (پردیس آزاد و پولی) دانشگاه در یکی از کلاس‌های ارشد مطالعات فرهنگی گروه ارتباطات بود که باعث هجده نفره شدن کلاس و خروج فاحش تعداد افراد آن از میزان استاندارد شده‌است. بنابراین می‌توان گفت دو موضوع وجود دارد:

اول اینکه بایستی حق تحصیل در شرایط استاندارد آموزشی برای دانشجویان کلاس محفوظ بماند و دوم آن که اگر درآمدی از حضور این نوع دانشجویان حاصل می‌شود ضروری است که بخشی از آن، به حمایت از فعالیت‌های دانشجویان دانشکده تعلق گیرد. گفت‌و شنود داخل بوفه، بی‌شک با تمام آسیب‌ها و نقدهایی که به آن وارد است، برای ما فرصتی ارزشمند جهت درمیان گذاشتن و با خبر شدن از مشکلات یک‌دیگر و رسیدن به راهی برای پیگیری جمعی آن‌هاست.

یکشنبه‌ی این هفته نیز حوالی ۱۲:۳۰ بعدازظهر به ادامه‌ی گفت‌وگوها خواهیم نشست. این گفت‌وگو، یک فعالیت دانشجویی و دوستانه است. امیدواریم عموم دانشجویان در آن حضور پیدا کنند و در باب مسائل جاری دانشکده در جهت بهبود شرایط آن تلاش کنیم.